

دام سیاه راننده تاکسی اینترنتی برای یکی از مسافران

استفاده می‌کنم. در این مدت دوبار به صورت اتفاقی راننده جوانی به نام وحید به سراغم آمد و مرا به خانه بستگانم برد که همین موضوع باعث شد با وحید که دو سال از من بزرگتر بود آشنا شوم. آخرین بار یک‌ماه قبل بود که به صورت اتفاقی او مرا به مقصد رساند که شماره تلفن همراهش را به من داد و من هم شماره‌ام را به او دادم و قرار شد هر وقت نیاز به تاکسی داشته باشم با او تماس بگیرم تا به دنبال من بیاید و مرا به مقصد برساند. بعد از آن بود که ارتباط تلفنی ما آغاز شد و من هر چند روز یکبار با او تماس می‌گرفتم و او هم با خودرواش مرا به بازار یا خانه بستگان می‌رساند و پس از پایان کارم دوباره مرا به خان‌ام بر می‌گرداند و یک کمی هم از مسن می‌گرفت. او با چرب‌زبانی اعتماد مرا جلب کرد تا جایی که من از مشکلات زندگی‌ام با او درد دل می‌کردم.

وی ادامه داد: مدتی قبل سوار خودرواش بوم و قرار بود به خانه مادرم بروم که در میانه راه از او خواستم توقف کند تا آب آشامیدنی بخرم. من کیف و موبایلم را داخل خودرواش گذاشتم و به مغازه رفتم که بعداً فهمیدم در نبود من یکس‌های خصوصی‌ام را به گوشه خودش منتقل کرده است. چون یک روز بعد از آن با من تماس گرفت و گفت تعدادی از عکس‌های خصوصی مرا در اختیار دارد و تهدید کرد چنانچه به خواسته‌او عمل نکنم عکس‌های مرا در شبکه‌های اجتماعی منتشر و زندگی مرا سیاه می‌کند. در حالی که از آشنایی و اعتماد به راننده جوان به شدت پشیمان شده بودم با التماس و گریه از او خواستم عکس‌های مرا پاک کند اما فایده‌ای نداشت و مرد جوان همیشه خواستاش را مطرح می‌کرد. وقتی دیدم من تسلیم او نمی‌شوم پیشنهاد داد به خان‌امش بروم تا آنجا عکس‌های مرا از گوشی‌اش روبروی خودم پاک کند. انقدر ترسیده بودم که اصلاً فکرم به جایی نمی‌رسید و احساس می‌کردم با این اشتباه زندگی‌ام خراب می‌شود به همین دلیل قبول کردم و به خان‌امش رفتم که آنجا در دام سیاه او گرفتار شدم و تصمیم گرفتم از او شکایت کنم.

با طرح این شکایت پرونده به دستور بازپرس شعبه چهارم دادسرای امور جنایی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. مأموران در نخستین گام وحید را بازداشت کردند. وی ابتدا متکر جرم خود شد اما وقتی عکس‌های زن جوان در گوشی‌اش کشف شد به نقشه سیاه‌خود اعتراف کرد. زن گفت: من با چرب‌زبانی زن جوان را فریب دادم و به خان‌ام کشاندم و فیلم‌سیاه تهیه کردم و قصد داشتم با تهدید انتشار فیلم در شبکه‌های اجتماعی از او سوءاستفاده کنم که من از شکایت کرد.

تحقیقات از متهم ادامه دارد.

اعدام، مجازات ۳ مرد متجاوز



حکم اعدام سه سوداگر مرگ که به اتهام تعرض به یکی از مصرف‌کنندگان مواد مخدر بازداشت شده بودند در دیوان عالی کشور مهر تأیید خورد.
به گزارش خبرنگار ما، بیست‌وهشتم آبان‌سال ۹۵، مرد جوانی با مراضه به کلاتری ۵۲ مسعودیه‌گفت: «صاحبخانه‌ای در خیابان مسعودیه هستم و چندماه‌قبل خان‌ام را به سه‌پسر جوان اجاره دادم. ساعتی قبل بود که دیدم آنها مرد جوانی را به زور به زیرزمین خانه بردند و لحظاتی بعد صدای آن پسر را شنیدم که درخواست کمک می‌کرد. نگرانم بلایی سرش آورده باشند.»

بعد از این توضیحات، مأموران به خانه مورد نظر رفتند و در زیرزمین خانه با پسر ۲۲ساله‌ای به نام آرمان روبه‌رو شدند که مدعی شد تحت آزار قرار گرفته است. او در توضیح به مأموران گفت: «همراه یکی از دوستانم به نام احمد به خانه رضا رفتم. وقتی وارد خانه شدیم ناگهان رضا و دو نفر از دوستانش به رویم چاقو کشیدند و مرا به زور به زیرزمین خانه‌شان بردند. آنها سه نفری مرا آزار دادند و بعد از گرفتن فیلم ساعت‌ها مرا کتک زدند و شکنجه دادند.»

بعد از اظهارات پسر جوان، سه متهم به نام‌های مهدی، رضا و محسن شناسایی و بازداشت شدند. سه متهم تحت بازجویی قرار گرفتند و رضا در جواب به مأموران گفت: «ما شاکی را نمی‌شناختم. روز حاد نه مهدی گفت آرمان شیشه کشیده و حالش بد است به همین دلیل خواست او را به خان‌مان بیاورد. وقتی آرمان وارد خانه شد خودش به تنهایی او را به زیرزمین خانه برد و بعد از کتک او را آزار داد. باور کنید در این حادثه نقشی نداشتم.»

رضا در ادامه گفت: «مهدی مدعی بود آرمان معتاد است و از او مواد می‌گیرد سپس در عوض پول مواد به او تجاوز می‌کند. آن روز هم یکی از دوستانش به نام‌احمد خواسته بود با فریب، شاکی را به خانه بیاورد تا ما هم او را آزار دهیم اما قبول نکردیم.»

حواشات

سرویس حوادث، ۸۸۹۸۴۳۵

سرفت گوشی‌های گرانقیمت

باهمدستی اپراتور قلبی



دو مجرم حرفه‌ای که با فریب فروشندگان گوشی‌های تلفن همراه گرانقیمت در سایت دیوار، اموالشان را اسرقت می‌کردند سرانجام بازداشت شدند.
به گزارش خبرنگار ما، این پرونده ۲۱‌خردادماه امسال روی میز کارآگاهان پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. شاکی در شرح ماجرا گفت: برای فروش گوشی تلفن همراهم که ۵/۴میلیون تومان قیمت داشت آن را در سایت دیوار آگهی کردم. ساعتی بعد از انتشار آگهی بود که مردی تماس گرفت و خودش را سهیل نام کرد. او بعد از پرسیدن مشخصات گوشی و قیمت آن گفت که قصد خرید دارد. من هم نشانی خان‌ام را به سهیل دادم و ساعت پایانی شب تماس گرفت و به در خان‌ام آمد. سهیل ظاهری آراسته داشت که نشان می‌داد مردی محترم است. بعد از توافق بر سر قیمت گفت که قصد دارد پول را از طریق نرم‌افزار گوشی تلفن همراهش پرداخت کند که شماره حساب را به او دادم. لحظاتی بعد سهیل عملیات انتقال پول را انجام داد و سرانجام نمایشگر گوشی‌اش را به من نشان داد و مدعی شد که پول به حسام‌وریز شده است. از آنجا که برحرفش واریز شدن پول برایم ارسال نشد من به حرفش اعتماد نکردم. سهیل همان لحظه با شماره‌ای تماس گرفت و مدعی شد که اپراتور بانک است و وی را به عنوان سارق گوشی‌اش شناسایی کرده. او در حرف و چرف بزیم. آن سوی خط مردی بود که خودش را اپراتور شیفت شب معرفی کرد و گفت به خاطر اختلال شبکیه پیامک تا چند ساعت دیگر برایم ارسال می‌شود و اطمینان داد که پول به حسام‌وریز شده است. من به حرف او اعتماد کردم و گوشی را به سهیل دادم و به خان‌ام رفتم. ساعت‌ها گذشت و خبری از پیامک نشد. صبح روز بعد که به بانک رفتم و متوجه شدم که اصلاً پولی به حسام‌وریز نشده و سهیل با همدستی اپراتور قلبی‌ی من را فریب داده‌است و گوشی‌ام را سرقت کرده‌اند. بعد از مطرح شدن شکایت و در حالی که تحقیقات در جریان بود خبر رسید شکایت‌های مشابهی به پلیس گزارش شده است. بررسی‌ها از دو متهم در پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران بزرگ در جریان است.

فروش گوشی تلفن همراه به فروش رفته است. بعد از به دست آمدن این سرخنگ کارآگاهان پلیس راهی محل شدند و بعد از بررسی دوربین‌های مدارسیسته تصویر فروشنده را به دست آوردند. شاکی هم بعد از دیدن تصویر او، وی را به عنوان سارق گوشی‌اش شناسایی کرد. در شاخه دیگری از تحقیقات کارآگاهان متوجه شدند که اسم اصلی متهم بهرام است و او از مجرمان تحت تعقیب پلیس و دستگاه قضایی است که مخفیگاهش را حوالی میدان شوش شناسایی و چهارم شهریور او را بازداشت کردند. بهرام در اولین بازجویی‌ها به سرقت‌های سرپالی به همین شیوه با همدستی مهدی نقش اپراتوربانک اعتراف کرد. با اطلاعاتی که متهم در اختیار پلیس گذاشت مهدی هم در مخفیگاهش در تجریش شناسایی و بازداشت شد.

پس از آموش تکنیم مانند هر آسیب دیگری، ناآگاهی و عدم آموزش صحیح، یک حلقه مفقوده بزرگ در این میان است که سهم بسیار بزرگی در اعتیادافراد به انواع موادمخدر از جمله «گل» دارد. جوانان با توجه به اقتضای سن و سال و دوره زندگی که در آن قرار دارند به دنبال کسب تجربه‌های جدید هستند و اگر آموزش مناسب و نظارت کافی روی آنها نباشد، این مواد جدید با تبلیغاتی که درباره آنها وجود دارد می‌تواند آنان را به خود جذب کرده و نابود کند.

انجمنست که نقش خانواده به عنوان اولین و اصلی‌ترین کانونی که افراد در آن حضور دارند بیش از پیش پررنگ می‌شود و اهمیت آموزش‌ها و نظارت‌های پدر و مادر، دوچندان می‌شود. بعد از خانواده، این مدرسه است که می‌تواند در جایگاه یک‌ناقد اجتماعی عملکرد مثبت یا منفی در این خصوص داشته‌باشد.

اما از نقش دانشگاه نیز نباید به سادگی گذشت؛ چراکه بسیاری از جوانان مبتلانه اعتیاد، علت شروع مصرف موادمخدر را شب بیداری‌های طولانی مدت در شب‌های امتحان عنوان می‌کنند و باور غلطی که می‌توانند با مصرف مخدر، ساعات بیشتری بیدار بمانند.

در سه‌مصرف موادمخدر به طور عام، باز هم ردهای عدم مهارت افراد در توانایی «نه» گفتن به دیگران به‌چشم می‌خورد. بسیاری از آسیب‌شناسان اجتماعی معتقدند کسی که نمی‌تواند در مواجهه با دیگران «نه» بگوید در معرض هرنوع آسیبی قرار دارد که اعتیاد نیز یکی از آنهاست. زمانی که فردی با هر قصد و نیت شما را تشویق یا وادار به مصرف مواد می‌کند باید بتوانید در برابر خواسته‌او مقاومت کرده و بدون ترس یا خجالت از تمسخر دیگران، از خود مراقبت کنید.

وضعیت قصد ترک محل را داشتند که ناگهان فردی با سنگ به امبولانس پسر حاضر شده بودند مورد حمله خانواده وی قرار گرفتند. رئیس مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی خراسان‌شمالی گفت: پس از حضور نیروهای اورژانس شهری شیروان در محل، خانواده بیمار بدون توجه به نیاز تخصصی بیمار، درخواست انتقال وی به بیمارستان را داشتند و وقتی با امتناع عوامل اورژانس روبه‌رو شدند، شروع به فحاشی کردند و با آنان به شیوه نامناسبی برخورد کردند.

دکتر تقی دولت‌آبادی افزود: نیروهای اورژانس پس از مواجهه با این

بود. از آنجائی که نظر پدرم برایم مهم بود به ایرج جواب منفی دادم. آنجا بود که ایرج وقتی جواب رد شنید، روزی که برای خرید از خانه بیرون رفته بودم با همدستی دوستش به زور مرا سوار ماشین کرد و حوالی شهریار در خانه‌ای حبس کرد. به همین خاطر برایش درخواست اشد مجازات دارم.» سپس ایرج ۲۲ساله در جایگاه ایستاد و گفت: «اهل شهری در غرب کشور هستیم. بین ما یک رسم قدیمی به نام «دختر بردن» هست. آن هم زمانی که به خواستگاری دختر مورد علاقه می‌رویم، اما خانوادهاش مخالفت می‌کنند. آنجاست که خواستگار آن دختر را همراه خود می‌برد تا خانوادهاش راضی به ازدواج شوند. من هم طبق این رسم قدیمی، شیدا را همراه خود به خانه دوستم برم.»

متهم در آخرین دفاعش گفت: «باور کنید فقط او را برای راضی کردن خانوادهاش برودم و نمی‌دانستم کاری که انجام داده‌ام مصداق آدم‌ربایی است و ۵ سال حبس دارد. اشتباه کردم و فقط به خاطر رسم قدیمی مرتکب این جرم شدم.» در ادامه بهرام نیز در دفاع از خود گفت: «وقتی ایرج از مخالفت خانواده دختر موردعلاقهاش و رسم قدیمی‌شان گفت قبول کردم یا او همکاری کنم. باور کنید قصدم آدم‌ربایی نبود.»

در پایان هیئت قضایی با تفویف در مجازات ایرج را به پنج‌سال حبس و بهرام را به دو سال حبس محکوم کرد.

یادداشت

زندگی‌هایی که با یک «گل» تباه می‌شود

نگس رشید

ضربان قلب بالا می‌رود، بی‌قراری و توهم فرد را به جایی می‌رساند که نمی‌تواند بدون آن زندگی کند. این‌ها نشانه‌های فردی است که به مصرف ماده مخدر گل معتاد شده است. اعتیادی که تنها پس از یکبار مصرف شکل می‌گیرد و فرد را رها نمی‌کند.

سر منشأ ماده مخدر «گل»، همان گیاه شاهدانه است. گیاهی که کمتر از ۵۰سال پیش، از افغانستان به امریکا برده شد و این آغازی بود تا با فرمول‌های جدید ماده مخدر «گل» تولید شود اما ورود «گل» به ایران به دهه ۸۰ برمی‌گردد. شاید در آن زمان باور عموم مردم بر این بود که این ماده، بسیار کم‌خطرتر از حشیش و ماری‌جوآنست در حالی که این چنین نبود تا جایی که بنابر اظهار نظر کارشناس حوزه اعتیاد، میزان توهم‌زایی گل چهار تا شش‌برابر بیشتر از حشیش است. در واقع گل به‌طور مستقیم بخش‌هایی از مغز را که موجب آرامش فرد می‌شود، فلج کرده و خود جایگزین آن می‌شود.

علاوه بر این آسیب بنیادی، گیجی و نداشتن تمرکز، فرمز شدن چشم‌ها، خنده‌های بی‌دلیل، افزایش اشتها و کم شدن حافظه، تندخویی و عصبانیت، افسردگی و گوشه‌گیری از جمله عوارض دیگری است که در مصرف‌کنندگان «گل» دیده شده است. علائم و نشانه‌هایی که تا ۳۰ دقیقه بعد از مصرف در فرد به اوج خود می‌رسد و تا ۳ ساعت بعد از آن نیز ادامه دارد.
به این ویژگی‌ها فرد آلوده به «گل»، به‌شدت به آن وابسته می‌شود به‌طوری‌که با قطع مصرف بی‌قرار و وحشت‌زده و با اضطراب و تپش قلب شدید روبه‌رو می‌شود. شاید به همین علت است که متخصصان حوزه اعتیاد، راهای از مصرف گل را بسیار سخت و حتی غیرممکن می‌دانند.

بر اساس آمارهای شیوع شناسی که در بهار ۹۷ منتشر شد، بیش از ۸۰ درصد معتادان به «گل»، مجرد و مرد هستند که تحصیلات آنان، دیپلم و کمتر از آن است. اما آمار نگران‌کننده‌تر اینکه در حال حاضر

«گل» دومین ماده مصرفی معتادان بعد از تریاک است.

بیراه نیست که اگر اصلی‌ترین علت گرایش جوانان به ماده مخدر گل را، قیمت ارزان و در دسترس بودن آن بدانیم. بذر این گیاه حتی در گلخانه و باغچه نیز به راحتی قابل کاشت است و این راه رسیدن به آن راحت‌تر است.
موضوع مهم دیگر اینکه، مصرف‌کنندگان این ماده خطرناک بر این باورند که «گل» خطرناک نیست و با مصرف آن معتاد نمی‌شوند، بنابراین هر زمان که اراده کنند می‌توانند مصرف خود را قطع کنند. این باور غلط تا جایی برای افراد باور پذیر شده است که گمان می‌کنند هتدازهای بازدارنده در این خصوص، تنها برای ارباب آنها استفاده می‌شود و دروغی بیش نیست از طرف دیگر آید بودن مصرف ماری‌جوانا در برخی کشورها از جمله امریکا افراد را به این یقین رسانده‌است که این ماده هیچ ضرر و آسیبی ندارد.

اما با توجه به تأثیرپذیری نوجوانان و جوانان از گروه‌های همسالان، یکی دیگر از مهم‌ترین علل گرایش افراد به ماده مخدر «گل»، مصرف این ماده توسط دوستان آنهاست. لذت‌جویی و علاقه‌مندی به سرخوشی‌های کاذب، عامل دیگری است که افراد را به ورطه نابودی می‌کشاند.

همچنین مصرف‌کنندگان «گل» بر این باورند که در زمان اضطراب و ناراحتی، با مصرف این مواد محرک، آرام می‌شوند در حالیکه این حس فقط به روزهای اول استفاده از این مواد برمی‌گردد و بعد از آن دیگر هیچ خبری از سرخوشی نیست.

البته فراموش نکنیم مانند هر آسیب دیگری، ناآگاهی و عدم آموزش صحیح، یک حلقه مفقوده بزرگ در این میان است که سهم بسیار بزرگی در اعتیادافراد به انواع موادمخدر از جمله «گل» دارد. جوانان با توجه به اقتضای سن و سال و دوره زندگی که در آن قرار دارند به دنبال کسب تجربه‌های جدید هستند و اگر آموزش مناسب و نظارت کافی روی آنها نباشد، این مواد جدید با تبلیغاتی که درباره آنها وجود دارد می‌تواند آنان را به خود جذب کرده و نابود کند.

انجمنست که نقش خانواده به عنوان اولین و اصلی‌ترین کانونی که افراد در آن حضور دارند بیش از پیش پررنگ می‌شود و اهمیت آموزش‌ها و نظارت‌های پدر و مادر، دوچندان می‌شود. بعد از خانواده، این مدرسه است که می‌تواند در جایگاه یک‌ناقد اجتماعی عملکرد مثبت یا

منفی در این خصوص داشته‌باشد. اما از نقش دانشگاه نیز نباید به سادگی گذشت؛ چراکه بسیاری از جوانان مبتلانه اعتیاد، علت شروع مصرف موادمخدر را شب بیداری‌های طولانی مدت در شب‌های امتحان عنوان می‌کنند و باور غلطی که می‌توانند با مصرف مخدر، ساعات بیشتری بیدار بمانند.

در سه‌مصرف موادمخدر به طور عام، باز هم ردهای عدم مهارت افراد در توانایی «نه» گفتن به دیگران به‌چشم می‌خورد. بسیاری از آسیب‌شناسان اجتماعی معتقدند کسی که نمی‌تواند در مواجهه با دیگران «نه» بگوید در معرض هرنوع آسیبی قرار دارد که اعتیاد نیز یکی از آنهاست. زمانی که فردی با هر قصد و نیت شما را تشویق یا وادار به مصرف مواد می‌کند باید بتوانید در برابر خواسته‌او مقاومت کرده و بدون ترس یا خجالت از تمسخر دیگران، از خود مراقبت کنید.

آگهی ابلاغ دادنامه

بدنوسيله پيرو آگهی قبلی به آقای جمال جلالی فرزند طاهر (فلاً مجهول‌المکان) ابلاغ می‌گردد در خصوص دعوی احساس بزرگان زاده به طریقت شما با خواسته برابر دادنامه شماره ۹۷/۳۱۲ مورخ ۱۳۹۷/۴/۲۵ در پرونده کلاسه ۹۶/۱۲۸۸ غیاباً حکم بر محکومیت شما به پرداخت ۶۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان اصل خواسته و هزینه دادرسی به مبلغ ۱/۶۱۵/۰۰۰ ریال و همچنین خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ ۱۳۹۶/۱/۲۲ لغایت اجرای حکم در حق خواهان صادر گردیده است. لذا مراتب جهت اطلاع شما حسب درخواست خواهان یک نوبت در روزنامه درج می‌گردد و از تاریخ درج در روزنامه ظرف مدت بیست روز قابل واخواهی همین دادگاه و ظرف مدت ۲۰ روز پس از انقضاء مهلت مذکور قابل تجدید نظر خواهی دادگاههای تجدیدنظر می‌باشد.

م‌الفه: ۷۱/۰ شورای حل اختلاف برازجان

آگهی وقت رسیدگی

در خصوص دادخواست خواهان یحیی جوکار به طریقت خوانده امید دهقانی به خواسته مطالبه وجه که در شنبه دوم مردج حل اختلاف برازجان به شماره کلاسه ۹۷/۴۵۳ تحت رسیدگی می‌باشد و نظر به مجهول‌المکان بودن خوانده و تقاضای خواهان و دستور رئیس شعبه حساب ماده ۳۳ قانون آئین داسی مدنی مراتب یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار آگهی و خوانده ظرف یک ماه از تاریخ نشر آگهی در وقت مقرر مورخ ۱۳۹۷/۸/۵ روز شنبه ساعت ۱۰/۳ جهت رسیدگی حاضر در غیر انصورت شورا غیاباً رسیدگی و تصمیم لازم اتخاذ خواهد نمود.

م‌الفه: ۷۱/۱ رئیس حوزه دوم شورای حل اختلاف شهر برازجان